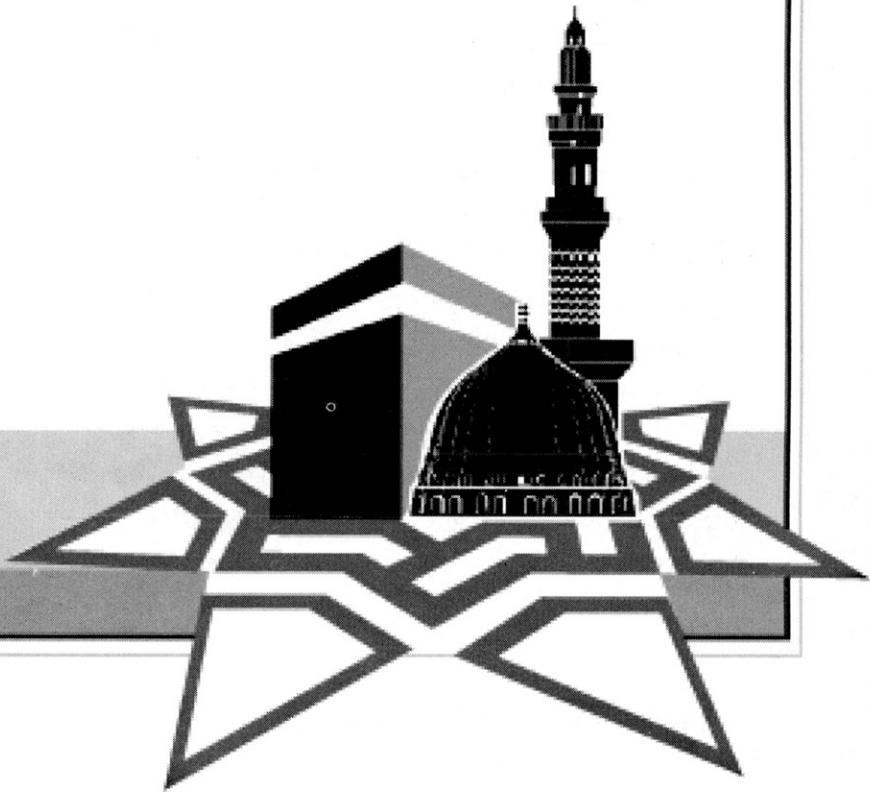
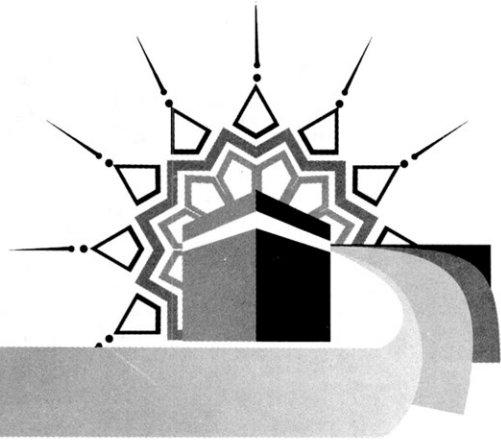


# اماکن و آثار



# تحقیق در علائم حرم الهی

عبدالملک بن عبدالله بن دهیش / محمد علی سلطانی



درباره حدود «حرم» کتاب مستقلاً نگاشته نشده است. تحقیق آقای عبدالملک بن عبدالله بن دهیش - مدیر کل سابق آموزش دختران عربستان سعودی - درباره حدود حرم و نشانه‌های اطراف آن، نخستین تحقیق جامع و میدانی در این زمینه بشمار می‌آید.

نویسنده از بیست سال قبل در هیئتی که به ریاست پدرش مسؤول تعیین و تشخیص حدود حرم است عضویت دارد. و خود گذاشتن «علامت» در یکی از حدود در جاده اصلی منتهی به مکه مکرمه را بر عهده داشته است. وی در راستای فعالیت‌هایش به تصحیح و نشر کتاب «اخبار مکه در گذشته و حال» از محمد بن اسحاق فاکهی مکی پرداخت. اشارات فاکهی به وجود علامات در حدود حرم، نویسنده را به فکر تحقیق میدانی انداخت و نتیجه تلاش وی کتابی در ۳۹۵ صفحه با قطع بزرگ گشت که در آن، از ۴۴۴ عکس و ۴۵ نقشه مفصل برای تبیین حدود و علائم حرم کمک گرفته شده است. روزنامه المسلمون گزارشی خواندنی از این کتاب ارائه داده است که در ذیل ترجمه آن را می‌خوانید:

## تاریخ حرم

مکه در منطقه‌ای واقع است که گرداگر، آن را تپه‌های خشک، سنگلاخی و صخره‌ای



و یا کوههای درهم تنیده فراگرفته، در عرض ۲۱/۲۵ شمالی و در ۳۹/۴۹ طول شرقی در ۳۶۶ متری از سطح دریا. گروهی از متخصصان؛ مانند دکتر حسین کمال‌الدین، براساس تحقیق علمی در «فرایند گسترش زمین» مکه را مرکز زمین تلقی می‌کنند. باید گفت که چنین نتیجه علمی ناممکن نمی‌نماید؛ زیرا خداوند متعال از سرتاسر کره زمین این منطقه را برای خانه خود برگزیده است و محققان مسائل شرعی بر این نکته واقفند که خداوند متعال از روز خلق آسمان و زمین، مکه را حرم امن قرار داده است از جمله دلایل این مدعا، مرفوعه بخاری و غیر وی از ابن عباس است که پیامبر - ص - در روز فتح مکه فرمود:

«دیگر هجرتی نیست. بقا و جهاد است. اگر حرکت کردند حرکت کنید؛ زیرا این جا شهری است که خداوند در روز خلق زمین و آسمان آن را حرم قرار داد و به حرمت خداوند، در روز قیامت هم حرم خواهد بود.»

نام مسجدالحرام در چند جای قرآن ذکر شده است، گروهی با آیاتی که «مسجدالحرام» را «حرم» شمرده، براین استدلال می‌کنند که مکه، با محدوده‌ای که در صد معرفی آن هستیم، حرم است و نه خصوص مسجدالحرام؛ کعبه دارای سه محیط است: «محیط مسجد»، «محیط حرم» و «محیط مواقیت».

گفتنی است که حرم مکه از ویژگیهایی برخوردار است؛ از آن جمله این که اجر عمل نیک و کیفر گناه در آن دو برابر می‌گردد.

نماز عید نه در صحرا که در مسجدالحرام برگزار می‌گردد.

در هیچ سالی نباید از حاجی خالی باشد.

اجرای حدود در آن مکروه است.

چاه زمزم در آن واقع است.

و نیز حمل اسلحه، کندن گیاه، فراری دادن صید و ورود غیر مسلمان به آن حرام است.

### علامتهای حرم

احکام فراوانی بر شناخت حدود حرم مترتب است و از این رو، به شناخت آن اهمیت داده می‌شود. از روایات برمی‌آید اولین فردی که علائم حرم را برپا کرد ابراهیم - ع - به راهنمایی حضرت جبرئیل بود؛ از جمله این روایات خبر ازرقی به سند خودش از حسن بن قاسم است که می‌گوید:

«وقتی ابراهیم - ع - گفت: «رب اَرِنَا مَناسِکِنَا...» جبرئیل نازل شد و وی را به همراه خود برد، مناسک را نشان داد و بر حدود حرم آگاهش ساخت. ابراهیم سنگچین می‌کرد و خاک می‌ریخت و جبرئیل حدود را نشان می‌داد.

حرم علائمی دارد که در چهار طرف مکه بنا شده و تا به امروز همچنان باقی است. این علامتها در طول تاریخ، در پی هر تخریبی بازسازی شده است. پاره‌ای از آنها جدید است و با سیمان و سنگ رخام ساخته شده و بعضی دیگر قدیمی است و با سنگ و آهک بنا گردیده است و بعضی دیگر سنگچین می‌باشد. علما بر این علائم «انصاب حرم» می‌گفتند.

بعد از حضرت ابراهیم - ع - پسرش اسماعیل و سپس عدنان بن اد و قصی بن کلاب، به هنگام بعثت قریش تجدید بنا کردند. و آنگاه پیامبر خدا - ص - در روز فتح مکه، سال هشتم هجرت، تمیم بن اسد و اسود بن خلف را مأمور بازسازی آنها کرد. از دیگر تجدید بنا کنندگان علائم حرم، می‌توان عمر بن خطاب، عثمان بن عفان، معاویه بن ابوسفیان، عبدالملک بن مروان و مهدی عباسی را نام برد. بنابراین، علائم حرم؛ بویژه آنها که بر قلعه کوهها واقع شده‌اند ده بار تجدید بنا گردیده‌اند.

علائمی که در ورودیهای مکه از راه مدینه، یمن، عراق، طائف، جمرانه و جدّه قرار دارند، در سال ۳۲۵ ه. ق. توسط راضی عباسی و در سال ۶۱۶ ه. ق. از طرف پادشاه اربل ملک مظفر و در سال ۶۸۳ ه. ق. به وسیله ملک مظفر پادشاه یمن و در سال ۸۷۴ ه. ق. از سوی قایتبای و در سال ۱۰۲۳ ه. ق. به دست سلطان احمدخان اول و در سال ۱۰۷۳ ه. ق. به همت شریف زید بن محسن و به سال ۱۲۶۲ ه. ق. به اراده سلطان عبدالمجیدخان بازسازی شده‌اند؛ یعنی در مجموع هفت بار تا عصر سعودیها تجدید بنا شده است. در دوره سعودیها نیز هفت بار بازسازی شده‌اند؛ یکبار بعد از سال ۱۳۴۳ ه. ق. توسط ملک عبدالعزیز دوبار در سالهای ۱۳۷۶ ه. ق. و ۱۳۷۷ ه. ق. بوسیله ملک سعود و دوبار در سالهای ۱۴۰۴ ه. ق. و ۱۴۰۷ ه. ق. به دست ملک فهد تجدید بنا شده است. در بازسازی اخیر، عبارت است از گذاشتن دو علامت جدید در منطقه تنعیم و بازسازی ستون غربی از دو ستون تنعیم. مجموع بازسازیها از زمان حضرت اسماعیل - ع - تاکنون ۲۵ بار می‌شود.

### تلاش مورخان در ثبت محل حدود حرم

قدیمی‌ترین تحقیق تاریخی مربوط به حرم، که به دست ما رسیده دو کتاب است؛

نخست «اخبار مکه» از ازرقی و دومی «اخبار مکه در گذشته و حال» از فاکهی که هر دو در قرون اولیه زندگی می‌کرده‌اند. تحقیقات و اشارات موجود و مرتبط با بحث ما، در هر دو کتاب شبیه بهم است. هیچکدام مباحث مربوط به حدود حرم را در شکل بحث مستقل نیاورده‌اند. شاید بدان جهت که «علائم» در زمان آن دو، مشهور بوده‌اند. هر دو سیزده مورد مشخص را در حدود حرم ذکر کرده‌اند. فاکهی بحث مهمی زیر عنوان: «دژه‌هایی که از آنها سیلاب حلّ به حرم وارد می‌شود» گشوده که ازرقی آن را کنار گذاشته است. وی یادآور شده است که بجز در منطقه تنعیم همواره سیلاب دژه‌های حرم به حلّ جاری می‌شود و فقها نیز بر این باور بوده و آن را یکی از امتیازات حرم می‌شمردند ولی فاکهی به تحقیق پرداخته و واقعیت را غیر از آن یافته است. بحثی مستقل نگاشته و جریان سیلاب در هفت دژه از حلّ به حرم را ثابت کرده است و واقعیت هم نظر فاکهی را تأیید می‌کند.

ازرقی و فاکهی، هر دو از شش ورودی به مکه، که در همه آنها علائمی وجود دارد، یاد کرده‌اند و آنها عبارتند از: مدینه، یمن، جدّه، طائف، عراق و جعرانه.

غیر از فاکهی و ازرقی، علمای دیگر نیز در زمینه ضبط مواضع «حدود حرم» تلاشهایی انجام داده‌اند؛ از قبیل محب‌الدین طبری (متوفای ۶۹۴ ه. ق.)، تقی‌الدین فاسی (متوفای ۸۳۲ ه. ق.)، و در روزگار ما ابراهیم رفعت فاصله حدّ حرم را از راه طائف ۱۸۳۳۳ متر، از سوی عراق ۱۳۳۵۳ متر، از طریق تنعیم (راه مدینه) ۶۱۴۸ متر و از سمت یمن ۱۲۰۰۹ متر تعیین کرده است.

بسیاری از فقها بر این باورند که حدود حرم توقیفی بوده و از قبل از عصر پیامبر - ص - معین بوده است. بنابراین نمی‌شود گفت که باید مستقیم، منحنی، شکسته، دایره‌ای و امثال آن ساخت، بلکه لازم است حد حرم را هر جا که هست - نزدیک یا دور از حرم - و در هر جایی که نشانه‌ها را گذاشته‌اند دانست. و حق انتخاب در این امر، از آن خداست و جای اجتهاد نیست. دکتر بن دهیش به شناسایی نشانه‌ها پرداخته و ۹۳۴ نشانه را شناسایی کرده است و معلوم شده که محیط حرم ۱۲۷ کیلومتر است که از «قرن‌الأعفر» شروع و پس از دور زدن به همانجا ختم کرده است. و مساحت حرم بر اساس نقشه هوایی ۵۵۰۳۰۰ متر مربع می‌باشد.

### نشانه‌های مرز شرقی

مرز شرقی حرم، از ناحیه جنوب، از کوه «قرن‌الأعفر» شروع و به «ربع‌النقوا» ختم

می‌شود.

کوه «قرن الأعفر» چندان بلند نیست و در ۳۱۱ متری سطح دریا واقع شده است و در اول سمت جنوبی کوه «عارض الحصن»، از ناحیه شرق قرار دارد. کوه «عارض الحصن» از نشانه‌های سمت شرق است، بلند، عریض و حدود ۵ کیلومتر طول دارد، برخلاف کوه «قرن الأعفر» که متمایل به سفیدی است، به سیاهی می‌زند.

از مواضع مرز شرقی بزرگراه طائف و کوه «قرن العابدیه» با ۲۵۰ متر بلندی است که در سمت راست کسی که از بزرگراه طائف وارد مکه می‌شود، قرار دارد. و کوه مشهور «نمره»، که نزدیکترین کوه به مسجد نمره است. و دارای غاری است که پیامبر - ص - قبل از خطبه و نماز ظهر و عصر روز عرفه در آن فرود آمد می‌باشد.

همچنین از مواضع مرز شرقی، راه قدیمی طائف «راه عرفه» و کوه «خطم» که کوه معروفی است و از آن روی به این اسم نامگذاری شده که آخر کوه به تدریج کوتاه می‌شود و به زمین می‌رسد و شبیه دماغ حیوانات است. کوه «صغیراء» با ۳۴۸ متر ارتفاع. کوه «ستار» که با ۴۱۰ متر ارتفاع کوه بلندی همچون دیوار برآمده است. کوه «ستیر» کوه «اسلع و شرفه اسلع» با ۵۰۶ متر ارتفاع، بلندترین کوه منطقه به نام «طارقی» با ۹۷۷ متر ارتفاع، گردنه «فل». کوه «مقطع» که راه طائف از آن می‌گذرد و برای تعریض جاده کنده شده و چند مسیر اتومبیل درست شده است. کوه «سقارالحیان» با طول ۲۱۰۰ متر و گردنه «مستوفره یا نقوای علیا» و کوه «نقوا» است. و مجموع نشانه‌های مرز شرقی ۱۱۰ عدد و اکثراً از آهک ساخته شده است.

### نشانه‌های مرز شمالی

مرز شمالی، از ناحیه غرب گردنه «نقوا» شروع و به آخر کوه «ناصریه» ختم می‌شود. از مواضع مرز شمالی؛ گردنه «نقوا» است و - با این که کامل نشده - همچنان برای وسایل نقلیه بزرگ و کوچک بکار گرفته می‌شود و گردنه بلندی است که در بین کوه‌های بلند، کاملاً مشخص است و ارتفاع آن به ۴۷۷ متر می‌رسد. کوه «ام‌السلم». کوه بلندی و طولانی «بغبه». کوه «یاج» و با نام قبلی آن «یاجج» که نشانه‌های حرم در پشت، آن را به دو قسمت کرده؛ بخشی در حرم و بخشی دیگر در حل قرار گرفته است. بلندی «یاج»، کوه مشهور



«مجلی» که بخاطر وفور کبک در آن اینگونه نامگذاری شده است. کوه «ابوحیه» کوه مشهور «صایف» که در غرب کوه «العمره» واقع است و سیلاب شعب «صایف» از آن جاری می‌شود و اکنون قبیلهٔ حرب و دیگران در آن ساکن هستند. کوه «نعمان» یا به نام کنونی آن «عمره» که در سمت راست خروجی مکه از مسیر تنعیم قرار دارد. درّه «تنعیم» که از مشهورترین مناطقی است که همه آن را به عنوان حد حرم می‌شناسند؛ زیرا به خاطر حدیث مشهور عایشه، نزدیکی آن به مسجدالحرام و وجود امکانات رفاهی فراوان همواره حاجیان زیادی در آن احرام می‌بندند و در آن دو علامت است که ملک فهد در سال ۱۴۰۴ ه. ق. به تعمیر آن دست یازیده است. کوه «واند» که ساختمان مشهور بیمارستان «حراء» در آن قرار دارد. بلندی «لفیفا»، کوه «رحا»، گردنهٔ «ذات الحنظل»، کوه «رضیع»، کوه «ام القزار»، کوه «ام البشرام» که ارتفاع آن به ۴۰۱ متر می‌رسد. کوه «مرمر»، کوه «ابوبقر» یا طبق نامگذاری اهالی منطقه، کوه «وادی الجوف» و کوه «ناصریه» می‌باشد.

این مرز نسبت به سه مرز دیگر، از نظر زیادی علائم و ساخته شدن آنها از سنگهای تراشیده و آهک، از توجّه بیشتر بازسازان برخوردار بوده است. مجموع علائم این مرز ۵۷۴ عدد است که بجز چندتا، بقیه از آهک ساخته شده‌اند.

### نشانه‌های مرز غربی

مرز غربی، از سمت شمال غربی با علائم «الأعشاش» آغاز و به کوه «دومةالسوداء» پایان می‌پذیرد.

مواضع این مرز عبارت است از: «الأعشاش» که زمینی مسطح است و راه قدیم جدّه از آن می‌گذرد و به نام گیاهی نامگذاری شده است. کوه «أظلم» بزرگترین و بلندترین کوه منطقه که سمت شمالی آن مشرف بر جادهٔ ملک سعود و سمت جنوبی آن نزدیک بزرگراه جدّه است. کوه‌های «نفیرات و حشفان» که کوهی آتشفشانی است و آثار بجای مانده از طغیان آن بر پاره‌ای از صخره‌ها کاملاً پیداست. سرزمین «رصیفه» که از نشانه‌های آن، چشمه آبی است که قبلاً جاری و متعلق به یکی از اشراف مکه به نام «عوینه» بود و کوه «دومةالسوداء» که در جنوب آن، راه جدید یمن به نام جادهٔ لیث و در شمال آن بزرگراه جدّه قرار دارد. مجموع نشانه‌های مرز غربی ۸ عدد است که بعضی با آهک ساخته شده و بعضی دیگر سنگچین شده است.

## نشانه‌های مرز جنوبی

مرز جنوبی، از کوه «نعیله» غربی، از سمت جنوب غربی شروع و به آخر کوه «صیفه» پایان می‌یابد.

مواضع این مرز عبارت است از کوه «نعیله»، کوه «دومته‌الحمراء» که بزرگترین کوه منطقه و سمت راست ورودی که از جاده «لیث» قرار دارد و در وقت توقف اتوبوسهای حاجیان در ایستگاه کنترل، در موازی آن واقع می‌شود، کوه «بشیم» (بشیمات)، کوه «ربع‌السید»، کوه «خشن الأوسط» کوه «ابوالصواعق»، کوه «لبن»، کوه «لبین» و «البیان»، کوه «نعیلة الشرقی»، کوه «غراب»، کوه «الخاصره»، کوه «ربع مهجره» یا گردنه ابن کرز، کوه «المظالف»، کوه «صویفه» (کوه ابوعشاش) و کوه «صیفه» کوه بزرگی که در بین اهالی منطقه شناخته شده است. مجموعه نشانه‌های مرز جنوبی ۱۵۲ عدد است و با طی مسیر این نشانه‌ها یک دور کامل به محیط حدود حرم تحقق پیدا می‌کند.

نویسنده در مورد هر یک از نشانه‌ها، در مکانهای مزبور، بحث مفصلی ارائه داده است و با دقت و ارائه نقشه و شرح مفصل شکل‌گرفته‌ها بحث کاملی انجام داده است که علاقه‌مندان می‌توانند به اصل کتاب مراجعه کنند.

## پایان بخش بحث

عبدالملک بن دهیش در اواخر بحث به نتایجی دست یافته که به پاره‌ای از آنها اشاره شد و در ادامه به بعضی دیگر اشاره می‌گردد:

۱ - مورخان مکه وقتی لفظ «حدود حرم» را بکار می‌گیرند، منظورشان تنها حدود حرم و ورودیهای مکه است، نه حدودی که بسان دست بند برگرد مکه احاطه دارد. این ورودیها در زمان ازرقی و فاکهی شش تا بود و در دوره فاسی دوتا از آنها متروک شد و تنها چهارتای آن معروف بود و از این رو علائم حدود حرم منحصر به ورودیهای مکه گشته بود.

۲ - حدود حرم امری توقیفی است و جای اجتهاد نیست. وجود نشانه‌ها بر بالای کوهها، از زمان حضرت ابراهیم - ع - به راهنمایی جبرئیل است. کار بعدی‌ها چیزی جز تجدید بنای نشانه‌ها در همان مکان قبلی، بدون پیش و پس کردن یا ایجاد انحراف در مسیر نیست. منقول از سیره پیامبر نیز بازسازی نشانه‌ها در همان مکان خودشان است و از آن حضرت





دستور تقدیم یا تأخیر نقل نشده است. به عکس ابویعلی به سندی قابل قبول روایت کرده: «لعنت خدا بر کسی که چیزی از حدود مکه را حلّ بشمارد»  
 گزارشهای موجود از بازسازان، از زمان عمر بن خطاب تا زمان مهدی عباسی نیز حاکی از تجدید است.

۳ - تعداد نشانه‌های اطراف حرم، که در این تحقیق مورد شناسایی قرار گرفته و مورد توصیف و عکس‌برداری واقع شده ۹۳۴ عدد است و همه آنها در طول تاریخ خراب شده‌اند جز آنچه که به دست بازسازان تجدید بنا شده و در ورودیه‌های مکه قرار دارند و مجموع آنها یازده عدد است که دوتای آنها بخواست خدا همچنان بر قله کوهها باقی است و از ۹۱۹ تا باقی مانده در ۶۳۰ عدد آن آثار آهک وجود دارد یعنی بیش از یک سوم نشانه‌ها با آهک بر بالای کوههایی که ارتفاع بعضی تا ۵۰۰ متر از سطح دریا می‌رسد قرار دارد - خداوند گذشتگان را رحمت کند و اهل بهشت قرار دهد - بقیه نشانه‌ها که ۲۸۹ عدد می‌شود سنگچینه‌های منهدم شده است.

۴ - شماره کوههای کوچک و بزرگی که حدود حرم از آنها می‌گذرد ۴۵ عدد است و تقریباً بر مکه احاطه دارند و فاصله بین آنها بسیار کم است.  
 ۵ - در غالب موارد، مسیر نشانه‌ها واضح است و موجب اشتباه جویندگان نمی‌شود. چون نشانه‌ها منهدم شده‌اند این بحث مطرح است وگرنه از آغاز تا فرجام مشکلی پیش نمی‌آید، جوینده «نشانه‌ها» به ندرت نشانه‌ای را گم و یا از آن غفلت می‌کند. اگر چنین وضعی پیش آید، معمولاً ناشی از غفلت و نا آگاهی به قواعدی است که نشانه‌ها بر اساس آن گذاشته شده است.

مهندسان برای درستی مسیر نشانه‌ها و زوال تشویش خاطر، اموری را انجام داده‌اند که در ذیل به آنها اشاره می‌گردد:

الف : بر بالای کوه، در صورتی که دارای پیچ و خم باشد و در مسیر حدود پیچ واقع شود، نشانه‌های بیشتری گذاشته‌اند و روش معمولی آن بود که بین دو نشان چیزی بین ۵۰ تا صد متر و گاهی تا دویست متر فاصله باشد ولی براساس نیاز مسیر، کم و زیاد می‌کردند. اگر راه مستقیم و روشن باشد فاصله‌ها بیشتر وگرنه فاصله کمتر و شماره نشانه‌ها بیشتر است.

ب : راه حل فوق، بر بالای یک کوه قابل اجرا است لیکن وقتی بین دو کوه زمین

مسطحی قرار گرفته باشد در پایان کوه اول سنگچین به شکل مستطیل روبروی کوه بعدی می‌گذارند تا اشاره به نشانه بعدی باشد؛ به همین خاطر نشانه‌های مستطیلی این گونه، فراوان دیده می‌شود که دهها علامت از این دست را شناسایی و قبلاً توصیف کرده‌ایم. طول این نشانه‌های مستطیلی بر پایه نیاز بین ۱۰ تا ۵۰ متر است و در صورتی که کوه مقابل چند شاخه باشد بر روی شاخه‌هایی که مسیر حدود از آن عبور نمی‌کند یک علامت هلالی از سنگ گذاشته‌اند تا شخص متوجه شود که مسیر حدود از آن نمی‌گذرد.

ج : در مواردی براساس مقتضای محیط، نشان مستطیل و هلالی نگذاشته‌اند و در عوض حجم نشانه را بزرگ گرفته‌اند و مثلاً به جای یک متر نشانی با دو یا سه متر حجم قرار داده و در کوه مقابل نیز شبیه به آن درست کرده‌اند.

د : در مواردی نیز از هیچکدام از دو شیوه فوق بهره نرفته‌اند بلکه به گذاشتن یک نشان بزرگ بر قلّه کوه، بسنده کرده‌اند. قطر این نشانه‌ها بین پنج تا ده متر است و در طرف مقابل نیز چنین نشانه‌ای گذاشته‌اند. ساخت این نوع علائم از دیگر علائم فرق می‌کند؛ اطراف قلّه کوه را می‌کنند تا پی این قبیل نشانه را بگذارند و نوک کوه در وسط این نشانه‌ها می‌ماند و با سنگهای بزرگ سنگچین می‌کردند؛ بگونه‌ای که قلّه کوه در سنگچین دایره‌ای قرار می‌گرفت و سنگچین جزئی از قلّه کوه می‌گشت. گذشتگان ما - که خدای رحمتشان کند - چنین شیوه علمی موفق برای توضیح مسیر «علائم» بکار گرفته‌اند - خداوند به حرمت حرمش خیرشان دهد! -

به همین علت می‌توان گفت که جوینده حدود حرم، گاه نیازی به راهنما ندارد؛ زیرا راهنمایش بقایای همین نشانه‌های فراوان است که از هر راهنمایی راستر و قابل اعتمادتر است.

### چه باید کرد؟

در تداوم خدمت به حرم شریف چه باید کرد؟ اینک بعضی از پیشنهادات محقق را یادآور می‌شویم:

۱ - اقدام سریع در نصف نشانه بزرگراه جدّه بر بالای کوه «ربع الحمار»؛ یعنی جای نشانه از محل علامت سفید کوچکی که به راهنمایی بعضی از راهنمایان گذاشته شده به عقب برده شود؛ زیرا مرسوم گذاشتن نشانه بر بالای گردنه است و نه مسیل آن.



۲ - اقدام عاجل شود در گذاشتن نشانه‌های بزرگراه طائف، «طریق الهداة» بین کوه «عارض الحصن» و کوه «قرن العابدیه».

۳ - در گذاشتن نشانه‌های «لیث» بین کوه «دومة السوداء» و کوه «نُعيله» اقدام سریع شود.

۴ - با مراجعه به اسناد و مدارک قدیمی، از مکان درست نشانه‌های «مجاهدین» در بزرگراه طائف «طریق السیل» تحقیق شود. تا مشخص گردد که آیا این علامتها در همان مکان قدیمی‌اش گذاشته شده یا این که به راهنمایی بعضی افراد انجام گرفته است؛ زیرا نصوص قدیمی نظیر کتاب ازرقی و فاکهی و غیر آن دو، نوشته‌اند که حد حرم در این ناحیه، گردنه «خل الصفاح» موجود در کنار کوه «مقطع» است و گردنه یاد شده امروزه مشهور است و علامتهای قدیمی هنوز هست. علائم جدید در ۵۰۰ متری غرب این علائم قرار دارد و معلوم نیست چرا این نشانه‌ها از نوک گردنه عقب برده شده است؟! این امر جای تحقیق و تحفص دارد و لازم است به کهنسالانی که ساختن این نشانه‌ها را دیده‌اند مراجعه شود. و نیز اسناد ملاحظه گردد اگر مشخص شد که در همان محل قدیمی علائم، ساخته شده‌اند، چه بهتر و اگر به اجتهاد بعضی از راهنمایان بوده باید منهدم و به نوک گردنه «حل الصفاح» منتقل شود.

۵ - بازسازی محکم تمام نشانه‌های منهدم شده بر بالای کوهها، گردنه‌ها و بلندیاها و نوشتن عباراتی که بیانگر حد حرم، سازنده بنا و تاریخ باشد. و لازم است که این اطلاعات بر سنگ خام یا مرمر کنده و بر نشانه‌ها نصب گردد و تا آنجا که ممکن است هر نشانه کنار نشانه قبل ساخته شود تا نشانه‌های قبل محفوظ بماند مگر آن که ضرورت اقتضا کند علامت سابق برداشته و نشان جدید در جای آن بنا شود. و همچون ستونهای برق شماره‌گذاری می‌گردد.

۶ - ایجاد سازمانی خاص برای حدود حرم شریف، که در آن افرادی از اهل علم عضو باشند که توان آگاهی و شناخت درست بر حدود حرم داشته باشند و نام کوهها و گردنه‌ها را بدانند و به تعبیری از هر آنچه متعلق به حدود حرم است آگاه باشند و این سازمان پی‌گیری و مراقبت نشانه‌های حرم به عهده‌گیرد تا از خرابی آنها جلوگیری گردد و سرپرستی محدوده‌ای که حرم است از آن سازمان باشد و هیچ سند مالکیتی بدون نظر آن صادر نشود.

۷ - گشودن یک فصل جدید در کتب جغرافیای سالهای راهنمایی و یا دبیرستان که مختص به «حدود حرم شریف» باشد.